

نخستین اجتماع

وقفنامه‌های دکتر افشار*

دیباچه

بقلم جناب آقای محسن صدر (صدرالاشراف)

رئیس محترم مجلس سنا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى حمداً يوازي
زنا عرشه وسعه سمواته والصلوة على نبيه المصطفى ووليّه المرئى وعلى الرهما
الطاهرين حجج الله على الخلق اجمعين.

منت خدایرا که ماهیات ممدومه را خلعت وجود پوشانید نه برای آنکه از ایجاد
کائنات بر عظمت خود بیفزاید یا از خلقت آنان سودی برد **تعالی الله عن ذلك علواً**
کبیراً بلکه فیص اقدس او تعالی شأنه محض جود مقتضی وجود ماسوی گردید .
من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان جودی کنم

چنانکه دانشمند بزرگ اسلام شیخ الرئیس در مقامات العارفين در صفت جود میفرماید
الجود هو افادة ما ينبغي فيما ينبغي لا لغرض و فائدة تعود اليه حتى المحمده
من الناس بل يفعل الخير لانه خير یعنی خلوص در فعل خیر آن است که مقصود و علت
غائی فعل همان خیر باشد لا غیر نه مانند سایر افعال که مقدمه ایجاد و نتیجه دیگر است
و از آنجائیکه خالق عالم از جمله مخلوقات بی پایان انسان را که اعجوبه خلقت و جامع
مراتب عالم علوی و عالم سفلی است اگر چه بصورت جزء ولی بمعنی کل یعنی نمونه عالم
کبیر آفرید که **ولقد خلقنا الانسان في احسن تقويم** - و از روح خود در او میدک
اذا سویته و نفخت فيه من روحي فقرا له **ساجدين و ارميان همه موجودات او را**
به تشریف تکریم ممتاز فرمود که **ولقد کرهنا بنی آدم** بار امانت تکلیف بر دوش
او نهاد **انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها**
وحملها الانسان - و او را برای عبادت خود آفرید که **ما خلقت الجن والانس الا**
لیعبدون - تا بقدر طاقت بشری صفات او متصف گردد و در افعال و اطوار خود بار تعالی
تأسی کند . پس بهتر عمل و نیکوتر فعل آنست که شبیه بافعال خدای تعالی و خالص برای

* در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۵ طهران به ثبت رسیده است. مقدمه مفصلی نیز بقم
واقف در شماره چهارم مجله درج شده .

خیر باشد لیکن مسلم است که هیچکس را این سعادت جز بتوفیق خدای تعالی میسر نیست که بقول عارف ربانی مولوی

اینهمه گفتم لیک اندر بسیج بی عنایات خدا هیچم هیچ

اینک بحمدالله و توفیقه جناب آقای دکتر محمود افشار موفق گردید و رقیبانی

که در این اوراق مرقوم شده برای مصالحی که خیر محض و محض خیر است وقف نمود با شرائط و تفضیلی که در این اوراق مرقوم شده امید است خدای تعالی همانطور که ایشان را موفق باین امر نموده طول عمر کرامت فرماید تا مدت طولانی خود متصدی اداره و عمل بمقررات وقف باشند و امید است متولیان و متصدیان امر بعد از خود ایشان هم بانهایت اهتمام و مراقبت موفق بعمل مقررات وقف بوده و در اجراء آن سعی و جاهد باشند .

والسلام علی من اتبع الهدی

بندۀ عاضی سید محسن صدر



قبولنامه و اجرای صیغه شرعی

از جانب حجت اسلام و آیت الله

حضرت میرزا سید محمد بهبهانی

بسم الله الرحمن الرحیم جناب اجل آقای دکتر محمود افشارزید توفیقه را در دو مجلس ملاقات کردم و ایشان را بایک نیت پاک و اندیشه خیر اندیش عازم بر این فداکاری قابل تقدیر که بذل مال در مقابل خیر عامه هم وطنان خود دیدم امید است که این حسن نیت که نمونه ایمان کامل ایشان است حافظ و مؤید جریان این خدمت بزرگ بوجه احسن باشد و چون از حقیر تقاضا نمودند که صیغه شرعی علی النهج المألوف المشروع جاری شود و کالتاً از طرف ایشان صیغه وقف جاری و احتیاطاً بر حسب ولایت شرعی قبول نمودم تقبل الله تعالی و اجزل الله مثوباته و اعانه علی نفسه بما اعان به الصالحین من عباده قال الله تعالی فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ .

حرره الاحقر بیمنه الدائر محمد الموسوی البهبهانی عفی عنه

۱۵ مرداد ۱۳۳۸

وقفنامه اول

و دستور نامه آن

فصل اول

املاك و رقبات موقوفه

ماده اول- بعد از مقدمه - در تاریخ بازدهم دیماه ۱۳۳۷ نویسنده این سطور، دکتر محمود افشار، دارای شناسنامه ۱۱۹۳۳ از بخش سه تهران فرزند مرحوم محمد صادق افشار یزدی ساکن تجریش، باغ فردوس. املاك و رقبات زیر را برای صرف در امور خیر بشرح مواد این دستورنامه وقف ابدی و دائمی نمود و صیغه وقف از ایجاب و قبول جاری ساخت. چون خود واقف نخستین متولی این موقوفات است بهمین عنوان آنها را بتصرف آورد و قبض و اقباض بعمل آمد. اسناد مالکیت مورد ثبت بتفصیل زیر است: (*پای صفحه نگاه فرمائید)

۱) (ناحیه اول مورد ثبت در شیران)

اسناد مالکیت مربوط بباغچه‌های متصل بهم واقع در باغ فردوس شیران باین شرح:
سند ۱ - باغ بزرگ مشتمل بر شش دانگ درسه قطعه زمین مشجر با کلیه ساختمانهای آن بساحت ۷۸۴۷ متر مربع بشماره ۵۱ فرعی از (۳۵۳۶) اصلی واقع در تجریش شیران بخش بازده تهران مورد ثبت سند مالکیت س ۵۲۷۵-۳۳۱۰ دفتر ۱-۳۵ املاك که سند مالکیت آن بشماره چابی ۱۳۱۸۷ بنام واقف صادر شده است.

سند ۲ - دو سهم از دوازده سهم بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره (۱۵۸) فرعی از (۳۵۳۶) اصلی مورد ثبت سند مالکیت س ۲۱۸۰۳ - ۳۴۱ دفتر ۵۹ - ۱ املاك که سند مالکیت آن بشماره چابی ۳۴۴۶۴۳ بنام ناصر افضلی صادر و بموجب سند رسمی شماره ۵۰۳۸ دفتر ۶ شیران بواقف منتقل شده است.

سند ۳ - دو سهم از دوازده سهم بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره (۱۵۸) فرعی از ۳۵۳۶ اصلی مورد سند مالکیت س ۲۱۸۰۲ - ۳۳۹ دفتر ۵۹ - ۱ املاك که سند مالکیت آن بشماره چابی ۳۴۴۵۳۲ بنام آقای محسن افضلی صادر و بموجب سند رسمی شماره ۵۰۳۸ دفترخانه ۶ شیران بواقف منتقل شده است.

سند ۴ - دو سهم از دوازده سهم بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره ۱۵۸ فرعی از ۳۵۳۶ اصلی مورد ثبت سند مالکیت س ۲۱۴۶۶ - ۲۶۱ دفتر ۵۸ - ۱ املاك که سند مالکیت آن بشماره چابی ۳۰۳۶۳۱ بنام آقای نوروز فرخ پور صادر و بموجب سند شماره ۵۰۳۸ دفترخانه شش شیران بواقف منتقل شده است.

سند ۵ - دو سهم از دوازده سهم بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره ۱۵۸ فرعی از ۳۵۳۶ اصلی مورد ثبت سند مالکیت س ۲۱۴۶۸ - ۲۶۵ دفتر ۵۸ - ۱ املاك که سند مالکیت آن بشماره چابی ۳۰۳۶۱۵ بنام آقای عبدالخالق افضلی صادر و بموجب سند شماره ۵۰۳۸ دفترخانه شش شیران بواقف منتقل شده است.

سند ۶ - یک سهم از دوازده سهم بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره ۱۵۸ فرعی از ۳۵۳۶ اصلی مورد ثبت سند مالکیت س ۲۱۴۶۷ - ۲۶۳ دفتر ۵۸ - ۱ املاك که سند مالکیت بقیه باورقی در صفحه بعد

فصل دوم

تولیت و اداره امور موقوفات

ماده دوم - تولیت این موقوفات برای مدت عمر باوقف است. هیچ کس یا مقامی را در این مدت از زمان حق مداخله و اعمال نظارت نیست مگر طبق همین وقفنامه. پس از درگذشتن واقف یا زده نفر اشخاص و صاحبان مقامهای رسمی نامبرده زیر یا افرادی که بموجب همین وقفنامه معین میشوند مجتمعاً متولی میباشند و بنام شورای تولیت امور موقوفات را زیر نظر خواهند داشت. طبق مدلول قسمت اول مساده ۸۳ قانون مدنی تولیت قابل تفویض بغير نیست، مگر از طرف متولی مقامی بمعاون رسمی خود بشرح تبصره اول از ماده دوم.

پنج نفر صاحب مقام رسمی: رئیس مجلس سنا (در صورت تعطیل همیشگی یا طولانی آن، رئیس مجلس شورای ملی)، رئیس دیوان عالی کشور، وزیر فرهنگ، وزیر بهداشت، رئیس دانشگاه تهران، (که هتولیان مقامی نامیده میشوند) و چهار نفر از دوستان آن بشماره چابی ۳۰۳۶۳۰ بنام بانوقاطه سلطان نیک بخت صادر و بموجب سند رسمی شماره ۵۰۳۸ دفتر شش شیران بواقف منتقل شده.

سند ۷ - يك سهم از دوازده سهم بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره ۱۵۸ فرعی از ۳۵۳۶ اصلی مورد ثبت سند مالکیت ص ۲۱۸۰۴ - ۳۴۳ دفتر ۵۹ - املاک که سند مالکیت آن بشماره چابی ۳۴۴۶۴۲ بنام بانو مبین افضلی صادر و بموجب سند رسمی شماره ۵۰۳۸ دفترخانه شش شیران بواقف منتقل شده است.

سند ۸ - يك سهم از دوازده سهم بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره ۱۵۸ فرعی از ۳۵۳۶ اصلی مورد ثبت سند مالکیت ص ۲۱۴۶۵ - ۲۵۹ دفتر ۵۸ - املاک که سند مالکیت آن بشماره چابی ۳۰۳۶۳۲ بنام بانو ملوک افضلی صادر و بموجب سند شماره ۵۰۳۸ دفترخانه شش شیران بواقف منتقل شده.

سند ۹ - يك سهم از دوازده سهم بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره ۱۵۸ فرعی از ۳۵۳۶ اصلی مورد ثبت سند مالکیت ص ۲۱۸۰۱ - ۳۳۷ دفتر ۵۹ - املاک که سند مالکیت آن بشماره چابی ۳۴۴۶۴۴ بنام بتول ابوالحسنی صادر و بموجب سند رسمی شماره ۵۰۳۸ دفترخانه شش شیران بواقف منتقل شده است.

سند ۱۰ - نینبانی بقطعه باغچه و خانه بساحت پانصد متر مربع بشماره ۱۵۸ فرعی از ۳۵۳۶ اصلی مورد ثبت سند مالکیت ص ۲۱۸۰۱ - ۳۳۷ دفتر ۵۹ - املاک که سند مالکیت آن بشماره چابی ۳۴۴۶۴۴ بنام بتول ابوالحسنی صادر و بموجب سند رسمی شماره ۵۰۳۸ دفترخانه شش شیران بواقف منتقل شده است.

سند ۱۱ - پنج ساعت و بیست و سه دقیقه از یکصد و نود و دو ساعت مجری الیهاتنات فردوس بلاک ۳۸۳۱ در گردش هست که سند مالکیت هشت ساعت و بیست و سه دقیقه در ص ۲۲ - ۲۷۷ دفتر ۱ - ۴ قنوات بشماره چابی ۴۲۶۷۲ بنام واقف صادر شده است.

سند ۱۲ - نیم ساعت از مجری الیهاتنات فردوس که بموجب سند رسمی شماره ۵۰۳۸

بقیه پاورقی در صفحه بعد

ارجمند و عزیزم برای مدت عمر (که تولیان منصوص نامیده میشوند) اسامی سه نفر از آنها که اکنون معین شده اند بترتیب الفباء چنین است: جناب آقای سناتور حبیب‌الله آموزگار (وزیر سابق فرهنگ)، جناب آقای الهیار صالح (وزیر سابق دارائی، دادگستری و کشور) و جناب آقای دکتر محمدعلی هدایتی (وزیر دادگستری کنونی) که همگی پذیرفته اند، و یک نفر دیگر که هر گاه مادام الحیات یا بموجب وصیت از طرف واقف معین نگردید شورای تولیت طبق ماده ۱۴ همین وقفنامه او را معین مینمایند، و دو نفر از

دفترخانه شماره شش شیران از طرف آقای ناصر افضل و غیره بواقف منتقل شده است. پاسخ سؤال وضعیت بشماره ۳۱۹۲ - ۳۷۱۱۱۲۲ باین دفترخانه داده شده است

ناحیه دوم مورد ثبت در شهر تهران

سند ۱۳ - دو قطعه زمین باقی مانده از شش دانگ خانه پلاک شماره های ۲۷۳۵ الی ۲۷۳۸ واقع در بخش سه حسن آباد خیابان پهلوی که شش دانگ ملک درص ۷۱۳-۲۱۹ دتر بنیم املاک بشماره چایی ۵۰۳۳۵ صادر شده که بقطعات تفکیک و بفروش رسیده ققطودو قطعه زمین نصف از کوچه اشتراکی بسالکیت واقف باقی مانده است و دو قطعه زمین در صورت تفکیکهای ۱۸۳۴۲ ۱۱۱۲۸۸۲۲ و ۲۱۱۷۷۲ مرفی شده است

ناحیه سوم مورد ثبت در شهر ری

اسناد ۱۰. مالکیت مربوط باغ و زمینهای واقع در مبارک آباد بهشتی در حومه شهر ری باین شرح: سند ۱۴ - شش دانگ یک قطعه زمین و باغ و عمارت بساحت سی و پنج هزار و یکصد و هشتاد و یک مترو نیم مربع بشماره ۵۶ فرعی از ۱۶۴ اصلی باحقابه از رودخانه کن طبق معمول محل که در ص ۱۳۰۰۹-۲۵۷ دفتر ۷۲ املاک بعدد معینه بنام واقف ثبت و سند مالکیت آن بشماره چایی ۳۲۵۷۳۷ بنام مشارالیه صادر شده است.

سند ۱۵ - شش دانگ یک قطعه زمین بساحت یک هزار و پانصد و بیست متر مربع (متصل بزمین سند ۱۴ بشماره ۵۵ فرعی از ۱۶۴ اصلی باحقابه از رودخانه کن بوسیله نهر و سفارده و فیروز آباد طبق معمول محل که در ص ۱۳۰۰۸-۲۵۵ دفتر ۷۲ املاک بنام واقف ثبت و سند مالکیت آن بشماره چایی ۳۲۵۷۳۳ بنام مشارالیه صادر شده است.

سند ۱۶ - هشت ساعت از مجری المیاء قنات بهشتی در گردش شانزده و جزء مورد ثبت سند مالکیت ص ۲۷۵۶-۲۰۹ دفتر سی ام غار و جزء سند مالکیت بشماره چایی ۴۷۲۹۱۲ بنام واقف صادر شده است

ناحیه چهارم مورد ثبت در یزد

اسناد مالکیت ملک و آب در بیلاق یزد باین شرح:

سند ۱۷ - چهار دانگ مشاع از شش دانگ خانه و باغ واقع در طرز جان بخش ۷ یزد بشماره ۱۷۰۶ که سند مالکیت آن در ص ۲۰۳۶-۵۹۳ دفتر ۱۲ شماره چایی ۳۴۲۲۲ بنام واقف صادر شده است.

سند ۱۸ - ایضا دو دانگ از خانه و باغ مذکور (سند آن در جریان ثبت است).

سند ۱۹ - پنج جره از قنات طرز جان (هنوز سند آن صادر نشده ولی میاه مزبور روی باغ است و شرب میشود.)

فرزندان واقف برای مدت عمر، یکی ایرج افشار است و نفر دیگر را، اگر زمان حیات یا بموجب وصیت نامه از طرف واقف معین نشود، شورای متولیان طبق مواد ۱۳ و ۱۴ انتخاب مینمایند.

تبصره ۱- متولیان مقامی میتوانند معاون اول خود را با حق رای بجای خود معرفی نمایند.

تبصره ۲- هرگاه کسی از متولیان یکی از مقامهای نا برده در این ماده برسد تا زمانیکه در آن مقام است دارای دو رأی است و حضور او نیز در جلسات بمنزله حضور دو متولی میباشد، ولی معاون او را چنین حقی نیست زیرا فقط نماینده متولی مقامی است نه نماینده متولی منصوص.

ماده ۳- واقف میتواند برای زمان حیات خود و کیل، معاون، نماینده و مباشرانی با حقوق برای انجام امور موقوفات معین کند.

این اشخاص در حقیقت مدیر عامل و کارکنان امور موقوفات هستند و فقط در برابر واقف مسئول میباشند. با درگذشت واقف مستعفی شمرده میشوند و ادامه خدمت آنان منوط بنظر شورای متولیان است، ولی تا تعیین جانشین از لحاظ مالی و اداری قانوناً و اخلاقاً مشغول و مسئول انجام کارهایی که از طرف واقف محول شده میباشند.

ماده ۴- واقف میتواند از حق تولیت انحصاری صرف نظر نموده خود یکی از متولیان یا ناظر استصوابی باشد.

ماده ۵- پس از درگذشت واقف بی هیچ تشریفات خود بخود امر تولیت و اداره امور موقوفات بعهده متولیان محول است.

ماده ۶- متولیان در نخستین جلسه، که بدعوت هر یک از آنان ممکن است بعمل آید، بر طبق اصول کلی هیئت رئیسه شورای تولیت و هیئت مدیره امور موقوفات و مدیر عامل را معین مینمایند.

ماده ۷- هیئت رئیسه شورا عبارت از یک رئیس، یک نایب رئیس، یک دبیر و دو بازرس (که یکی آنها سمت سرپرستی عالی موقوفات را نیز خواهد داشت) برای مدت پنج سال، تجدید انتخاب همان اشخاص اشکالی ندارد.

ماده ۸- شورای تولیت از میان خود یا از خارج، ولی حتی المقدور با عضویت دو نفر از متولیان، پنج نفر را بعنوان هیئت مدیره بشرح زیر برای مدت سه سال انتخاب و معین مینمایند: یک رئیس، یک جانشین رئیس، یک مدیر عامل، یک دبیر و یک خزانه دار حسابدار. ممکن است سمت مدیر عامل با هر یک از سمتهای دیگر هیئت مدیره، غیر از خزانه داری، توأم شود. تجدید انتخاب همین اشخاص در دفعه های بعد اشکالی ندارد. تصمیم های هیئت مدیره باید با کثرت سهرای گرفته شود. اوراق و اسناد اداری باید بامضای مدیر

عامل ودیبر (یا یک نفر دیگر اگر این دو سمت توأم شده است به تشخیص رئیس شورای تولیت هنگام تعیین مدیرعامل) باشد، و اسناد مالی را رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل و خزانهدار باید امضاء نمایند. هر گاه سمت مدیرعامل باریاست هیئت مدیره توأم شده باشد دو امضاء کافی است.

تبصره ۹- هر گاه در میان فرزندان یا بازماندگان واقف کسی برای مدیریت عامل صلاحیت داشته باشد بر دیگران مقدم است. تشخیص صلاحیت با شورای تولیت می باشد.

تبصره ۴- در صورت معذوریت یا مسافرت طولانی، تا تعیین عضو جدید، رئیس قائم مقام خزانهدار و نایب رئیس قائم مقام منشی میباشند.

تبصره ۳- ابدان یا ندادن حقوق بیازرسی که سرپرستی عالی امور موقوفات را عهده دار میشود و میزان آن بسته بنظر شورای تولیت است.

ماده ۹- هیئت مدیره باید همیشه هر گونه اطلاعی را که بازرسان بخواهند در اختیار آنان بگذارد. بازرسان موظفند سالی دو مرتبه (در آخر فروردین و آخر مهر ماه) باهم یا جداگرازش کتبی خود را بشورای تولیت بدهند. علاوه بر وضع گذشته بازرسان میتوانند نسبت بآینده نیز اظهار نظر کنند و پیشنهادهائی بنمایند.

ماده ۱۰- شورای تولیت برای رسیدگی بامور موقوفات، تأمین نظرهای واقف و اجرای دستور و قننامه، توجه بگزارش بازرسان و سایر مطالبهای مربوط جلساتی تشکیل خواهند داد که حتی الامکان در محل مرکزی موقوفات (باغ فردوس شمیران) و اقلا سالی دو بار (در اردیبهشت و آبان ماه) خواهد بود. هر زمان دیگر که رئیس شورا یا هیئت مدیره یا یکی از بازرسان بطور فوق العاده تشکیل آنرا لازم بدانند جلسه شورای تولیت باید تشکیل شود و ممکن است روزهای متوالی ادامه یابد. صورت جلسات که متضمن اخذ تصمیمها یا دستورهای لازم است و همچنین دفاتر و اسناد و مدارک و قبوض و غیره باید منظم و مرتب جمع آوری و نگاهداری شود.

ماده ۱۱- جز مواردی که در این و قننامه دستور خاص مقرر شده جلسات شورای تولیت در دعوت نوبت اول اقلا با حضور هشت نفر و نوبت دوم شش نفر رسمیت دارد و آراء خود را با کفایت مطلق حاضران میگیرد. در صورت تساوی رأی آنطرف که رئیس یا درغیاب او نایب رئیس شرکت دارد معتبر است. از جلسه سوم ببعد، برای گرفتن رأی در امری که در دستور جلسه اول بوده، با اخطار کتبی پنج روز قبل، حضور چهار نفر کافی است، ولی تصمیم ها باید باتفاق آراء بوده و در صورت مجلس با امضاء همه آنها پرسد. بهر حال هیچ تصمیمی که کمتر از چهار رأی مسلم موافق متولیان ردا داشته باشد قابل اجراء نیست. برای هر موضوع تازه که محتاج رأی است باید بهمین طریق رفتار شود. متولیانی که عضو هیئت مدیره باشند عضو شورای تولیت نیز هستند و حق رأی دارند. هیچ متولی نمیتواند حق رأی خود را

بديکری واگذار نماید مگر دروقفنامه پیش بینی شده باشد .

ماده ۱۲- در صورت فوت یا استعفاء و دیگر مواردی که قانون معین نموده و باید بجای متولی متولی دیگری معین شود سایر متولیان طبق ماده ۱۴ دیگری را انتخاب مینمایند. هر گاه متولی تعیین شده ای در زمان حیات تعیین کننده خود فوت نماید انتخاب جانشین با تعیین کنندگان است نه شورای تولیت.

ماده ۱۳- پس از فوت هر يك از دو متولی فرزندی متولیان اخلاف واقف شورای متولیان از میان فرزندان و اخلاف صالح او، و در صورت فقدان چنین افرادی در میان بازماندگان واقف اشخاص دیگری را بشرح ماده ۱۴، انتخاب مینمایند و هیچ کس را حق اعتراض نخواهد بود .

ماده ۱۴- هر يك از متولیان منصوص، غیر از فرزندان و اخلاف واقف (که متولیان منسوب نامیده میشوند) در دوره های مختلف میتوانند زمان حیات و علناً متولی جانشین بعد از خود را که در تراز خودشان باشد معین نموده و کتباً با اطلاع شورای تولیت برسانند. این مطلوب ترین قسم انتخاب متولیان بعد است و واقف آنها سفارش میکند . چنین جانشینانی میتوانند در صورت معذورت قانونی متولیان تعیین کننده خود و ب معرفی آنها موقتاً در جلسه های شورای تولیت شرکت نمایند و رأی بدهند. هر گاه متولی فقط ضمن وصیت نامه شخصی را برای این کار نام برده باشد آن فرد نامزد شماره يك شمرده میشود ولی شورای تولیت میتواند دیگری را بجای او معین نماید . واقف سعی خواهد داشت (و بمتولیان هم محترماً سفارش میکند) که متولیان که معین میشوند در زمان حیات جانشینان خود را برای امر تولیت معین نمایند . باین نحو امید است که همیشه دو دوره هیئت تولیت همپا باشد تا فتوری در حسن جریان امور موقوفات روی ندهد . هر گاه جانشینی با ن کیفیت معین نشده باشد سایر متولیان با کثرت مطلق عدۀ کامل خود متولی نامعین مینمایند . اگر اکثریت مطلق متولیان در انتخاب متولی موافقت نکند هر کس را که روسای مجلس سنا و دیوان کشور با اتفاق ، یا در صورت عدم حصول اتفاق بقید قرعه میان دو نفر نامزدهای خود ، معین نمایند متولی شناخته میشود .

تبصره - هر گاه یکی از اولاد یا اخلاف و منسوبان واقف بعنوان متولی منصوص یا مقامی معین شده باشد در حکم متولی منصوص یا مقامی میباشد و مقررات متولی منسوب در باره او جاری نمیشود .

ماده ۱۵- شورای تولیت می تواند در رای هیئت مدیره تجدید نظر کند. تصمیمهایی که شورا بگیرد و به هیئت مدیره بنویسد و دستور اجراء بدهد باید اجراء شود. جز شورای نامبرده هیچ مقام رسمی و غیر رسمی را حق مداخله نمیشود .

ماده ۱۶- هیئت مدیره موقوفات با تصویب شورای تولیت میتواند قسمتی از امور موقوفات

و اجرای نظرهای واقفدا باشخاص خارج محول نماید. در این صورت مسئولیت میان کارگزاران و دیگر مسئولان مشترك است .

ماده ۱۷- تصویب بودجه، تعیین دستمزد، حقوق و پاداش مدیرعامل و سایر کارکنان باشورای تولیت است. چون این موقوفات برای خدمت بفرهنگ و بهداشت ملی کشور بنیاد شده قبول تولیت آن اصولاً بدون اجر مادی است، و در حقیقت در این بنیاد خیر متولیان باواقف مانند دوشریک در نیکوکاری تشریک مساعی مینمایند. باوجود این شورای تولیت باحضور نه نفر از متولیان و برای هفت نفر از آنان و توجه بخدمات انجام شده و میزان درآمدها و مصارف موقوفات، بنحویکه باصل مقصود خدشه نرساند، در بودجه سالانه حق الزحمه متناسبی بعنوان حق تولیت منظور مینماید که جمماً نباید از ده یک درآمد خالص زیادتر گردد. سهم هر یک از متولیان که نخواهند قبول نمایند بعنوان اعانه و بنام آنان بر بودجه موقوفات افزوده میشود. اجرت تألیف و ترجمه و کارهاییکه مستلزم صرف وقت زیاد باشد همچنین حقوق مدیرعامل، و لومتولی باشد، از این ماده جداست.

تبصره ۱- مدیرعامل باید حتماً موظف باشد، ولی میزان وظیفه او نباید از حقوق رتبه مدیر کل اداری وقت وزارت فرهنگ زیادتر گردد.

تبصره ۲- حق الزحمه بمتولیان مقامی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۳- متولیانی که در هیئت مدیره سمتی بپذیرند و بازرسی که سمت سرپرستی موقوفات را در شورای تولیت قبول کند می توانند از حق التولیه ای که شورای تولیت طبق همین ماده معین نموده است سهم متناسبی با کار و زحمت خود دریافت دارند.

تبصره ۴- هر گاه متولی کاری را که خود باید انجام دهد، و قابل واگذاری باشد، بدیگری واگذارد از حق التولیه خود باید باو بدهد مگر آنکه حق التولیه دریافت ننماید و در اینصورت باید اجرت کار او از مال موقوفات پرداخت گردد، مقصود آنکه از درآمد موقوفات که باید بمصارف خیر برسد آن اندازه بمصارف و مخارج غیر وقفی صرف شود که در ازای زحمت، خدمت، یا هزینه های لازم اداری و غیره است.

ماده ۱۸- اتخاذ تصمیم در اموری که جنبه اساسی یادائم دارد باشورای تولیت است. شورای تولیت حدود صلاحیت خود، هیئت مدیره و مدیر عامل را معین و در صورت جلسات قید و بآنها نیز کتیباً ابلاغ مینماید. در هر حال خرید و تبدیل باحسن رقبیات، خرید چاپخانه دادن وام و کمک مالی بمجله آینه، دستور مصارف کلی درآمد، گذاشتن ذخیره در بانک ملی و برداشتن از آن، تصویب بودجه سالیانه، اقدام بساختن تاز، تعیین کمیسیون جوایز، دستور خرید کتاب برای کتابخانه، بستن قرار دادهای مهم برای تألیف و ترجمه، اجازه اقامه دعوا، باید با تصویب نهائی و اجازه کتبی شورای تولیت باشد.

تبصره ۵- صورت جلسات شورای تولیت و هیئت مدیره و تصمیماتی که میگیرند علنی میباشد. افرادی که با امور اجتماعی علاقه دارند و نظرات مفید شخصی نداشته باشند می توانند بدرخواست خود از آنها آگاه شوند.

فصل سوم

درآمد و مصرف

ماده ۱۹- درآمد موقوفات از منابع زیر بدست میآید :

الف - اجاره بها و هر گونه درآمد کلیه رقبات ،

ب - درآمد چاپخانه، فروش کتاب و مجله و رساله و مانند آنها هر وقت چنین درآمدی موقوفات داشته باشد .

دردرآمد مستقیم از بنکاهای فرهنگی و بهداشتی از قبیل کتابخانه ، قرائتخانه بهبودستان، کودکستان، بوع کودکان و مانند آنها هر زمان ایجاد شود و عایداتی داشته باشد.

ماده ۲۰ - برای حساب جاری از طرف واقف بنام (موقوفات دکتر محمود افشار) فعلا حسابی در مرکز بانک بیمه ایران گشوده خواهد شد. بعداً حساب دیگری نیز برای ذخیره بنام همین موقوفات در شعبه مرکزی بانک ملی ایران گشوده خواهد شد . پس از درگذشت واقف این حسابها در اختیار شورای تولیت قرار خواهد گرفت . نه وراثت را در آنها حقی است و نه آنان در برابر متولیان نسبت بگذشته این حسابها مسئولیتی دارند .

ماده ۲۱ - همه ساله صدی بیست درآمد بعنوان ذخیره در بانک ملی ایران یا بانکی که در حکم آن باشد تأمین میشود که طبق این وقفنامه و با نظر شورای تولیت بمصارف عمده از قبیل خرید چاپخانه و ساختمان مستغل برسد و ضمیمه این موقوفات گردد . هر وقت مبلغ ذخیره باندازه عایدات دو سال اخیر بود باتصویب شورای تولیت دوثلث آن ضمیمه بودجه جاری میشود و بمصارف معین شده میرسد . گذاشتن پول در بانک بیمه و برداشتن از آن با اطلاع و امضاء و مسئولیت مدیرعامل و خزانه دار است، در بانک ملی اطلاع و امضاء رئیس هیئت مدیره نیز لازم است .

ماده ۲۲ - خزانه دار میتواند برای مخارج جاری تامین چهار برابر حقوق باغبان عادی که در حال حاضر ارزش پول قریب دوهزار ریال است در صندوق موقوفات بمسئولیت خود وجه نقد نگاه دارد . هر گاه برای هزینه های فوق العاده ، مانند ساختمان ، لازم باشد مبلغ بیشتری وجه نقد موجود باشد محتاج برای هیئت مدیره و برای مدت معین است . بقیه باید همیشه در بانکها باشد و حواله ها بوسیله چک بانک پرداخت شود .

ماده ۲۳ - تعمیرات ضروری که برای نگاهداری عین موقوفات لازم است و همچنین حقوق باغبان و سرایدار ، لارویی قنات و خرید آب و خرجهای لازم دیگر ، مقدم بر هر مصرف دیگری است، سپس مخارج دفتری و حقوق و دستمزد و سایر هزینه های لازم اداری، همچنین پاداش و عیدی و غیره است، که مجموع این دودسته مخارج نباید از صدی بیست کل عایدات

سالیانه تجاوز نماید. پس از وضع قلمهای بالا باقیمانده درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که باهدف این موقوفات موافق باشد همچنین کمک بمجله آینده در صورت احتیاج، و احتمالا دادن جوایز بنویسندگان شرح دستور این وقفنامه گردد.

تبصره ۵ - ممکن است باتوجه بدمرآمد روزافزون موقوفات روزی اقتضا نماید که متولیان طبق آئین نامه‌ای این حداکثر را کاهش دهند تاراهی برای حیث و میل درآمد موقوفات باز نباشد.

ماده ۲۴ - چون در نظر است که موسسات فرهنگی و بهداشتی غیرمجانسی از قبیل بهبودستان، کودکستان، کتابخانه، قرائتخانه و باغ کودکان در عین موقوفات ایجاد شود کمک بآنها نیز در صورت احتیاج کمال اهمیت را دارد. تعیین میزان این کمک‌ها بسته بتصویب واقف در زمان حیات و شورای متولیان بعد از او میباشد.

ماده ۲۵ - کتب و رسالاتی که بابودجه موقوفات ترجمه، تألیف و چاپ میشود در درجه اول باید مربوط بلمت و دستور زبان فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ صحیح و کامل ایران بمنظور تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی ایران و تجدید نظر عاقلانه در شعر و ادبیات فارسی، احیاء شعائر و سنن پسندیده باستانی کشور، ترویج قسمت بی‌آلایش ترقی و تمدن جدید و مطالب اخلاقی و بهداشتی باشد. طبع و انتشار هر کتاب و رساله نیز که مخل نظم اجتماع یا اخلاق حسنه باشد ممنوع است. برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده احتمالی مقتضی است که در مقدمه تمام نسخه‌های کتاب و رساله قید شود باهتمام و خرج این موقوفات تألیف یا ترجمه یا چاپ شده است.

تبصره ۶ - کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

ماده ۳۶ - مقداری از کتب و رسالات چاپ شده بابودجه این موقوفات باید بطور هدیه و بنام موقوفات بمؤسسات فرهنگی، کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی که شایستگی آنان مورد تصویب اکثریت متولیان باشد فرستاده شود. شایسته است در جاهای مختلف کتاب که بکتابخانه‌ها اهداء میشود مهر موقوفات زده شود و همین باشد که بکدام مؤسسه و درجه تاریخ اهداء شده است. شماره کتب و رسالاتی که رایگان داده میشود نباید حداکثر از صدی پانزده چاپ شده تجاوز نماید.

ماده ۳۷ - هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین بمبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاشته شود. شایسته است از طرف هیئت مدیره مراقبت شود که واسطه‌ها نتوانند بیش از حق عمل معمولی استفاده از فروش بنمایند. این مراقبت این قسم عملی میباشد که همیشه مقصداری از کتب را

برای فروش مستقیم بخریداران بقیمت اعلان شده در ذخیره فروشگاه موقوفات داشته باشند و پیش از آنکه کتابی در بازار کمیاب شود و در ذخیره موقوفات نمانده باشد از نو چاپ نمایند. نوسان از صدی ده تا ۲۵ از لحاظ تفاوت مقدار و مدتی است که کتابی بفروش میرود و سرمایه‌ای که بکار آن رفته معطل میماند. هر کتابی بیشتر و زودتر بفروش میرسد منافع کمتری روی هر نسخه منظور میشود.

ماده ۲۸ - وجوهیکه احتمالاً از فروش کتب و رسالات بدست میآید باید بدرآمد سالیانه موقوفات افزوده شود (بادر حساب جدا گانه نگاهداری گردد) و برطبق دستور این وقفنامه نسبت بآن عمل شود.

ماده ۲۹ - چنانچه بعضی موقتاً چاپ کتاب صورت نگیرد و یا شورای تولیت بعملی که صریحاً معلوم باشد صلاح و مقتضی دانند، و با کثرت دو سوم آراء کلیه متولیان تصویب نمایند، ممکن است حداکثر بمدت پنج سال از اجراء تمام یا قسمتی از نظر واقف در خصوص طبع کتاب و رساله خودداری شود و در آمد این سنوات با صرفه جوئی سنوات قبل و سالهای آینده صرف ایجاد رقبات و یا تکمیل ساختمان در محل موقوفات گردد، از قبیل ساختن دکا کین در برخیا بان بهلوی تجریش در باغ موقوفات و همچنین، مستقلاً یا مشترکاً با شرکت سهامی مطبوعاتی آینده که ناشر مجله آینده میباشد، اقدام بخیرید چاپخانه و تهیه ساختمان آن نمایند، تا مانند بتگاه انتفاعی بنفع موقوفات بهره برداری شود و کتب و رسالات موقوفات و مجله آینده در آن طبع برسد و بدرآمد موقوفات افزوده گردد، بشرط آنکه انجام این امر منافی با اصل منظور موقوفات که در درجه اول ترجمه و تألیف و چاپ کتاب و کمک با انتشار مجله آینده است نبوده باشد. ساختمانهای ایجاد شده، چاپخانه و متعلقات آنها تماماً یا حسب السهم مشمول همین وقفنامه خواهد بود.

ماده ۳۰ - چنانچه بقای عین موقوفات و رقبات آن مستلزم مخارج زیادی باشد تا هزینه‌های مزبور صورت نکرده و از عین رقبات رفع خطر نشده باید در انجام سایر مصارف غیر ضروری جداً خودداری شود، ولی عمران و آبادی موقوفات نباید هرگز مانع انجام سایر مصارف مقرر گردد.

ماده ۳۱ - قطعه زمین ۱۵۲۰ متری در بهشتی (شماره ۱۵ این موقوفات) برای گورستان دانشمندان ایرانی و کسانی که بوطن خدمات نوعی نموده اند همچنین بازماندگان خانواده خودم و سایر متولیان اختصاص داده شده و مجانی میباشد. باید در آن دیوار کشیده و بصورت باغی درآید. مخارج عمومی، از قبیل هزینه درختکاری و بنا برای باغبان و دربان و حقوق آنها بعهده موقوفات است، اما هزینه های خصوصی هر قبر یا مقبره با بازماندگان اهل قبور میباشد. پس از برشدن این گورستان از قبور بارای شورای تولیت میتوان از زمین و باغ سی و پنجاه متری مجاور آن که وقف نموده ام بتدریج بآن افزود.

کسانی در اینجا بخاک سپرده میشوند که در طول زمان از طرف یکی از متولیان اجازه دفن آنها در این مکان داده شود. خوبشاونندان و متولیان میتوانند مقبره خانوادگی برای خود بسازند.

فصل چهارم

مجله آینده و جوائز

ماده ۳۲ - در صورتیکه شرکت مطبوعاتی آینده که برای نشر مجله آینده تشکیل گردیده محتاج بکمک و مساعدت باشد واقف و شورای تولیت میتواند و بسیار بجا است که مبلغ متناسبی بآن شرکت (بدون الزام باخذ وثیقه و بکمترین نرخ بانکی نه بازاری) بعنوان وام بپردازند، مشروط بر اینکه شرکت نامبرده وام دریافتی را حداکثر پس از دو سال از تاریخ دریافت مسترد دارد. میزان وام هیچگاه از عشر در آمد سالیانه موقوفات نباید تجاوز کند. رسیدگی و انجام مساعدت مالی بعنوان وام با واقف یا شورای تولیت است که میتواند حتی در مواقع سخت که شرکت نامبرده نتواند از اداء دین بر آید با توافق رأی طلبی را که مبلغ آن از ده یک در آمد سالیانه موقوفات بیشتر نباشد بشرکت مطبوعاتی آینده واگذار کنند و بابت مصرف موقوفات منظور دارند. کمک مالی با انتشار مجله آینده مقدم بر هر مصرف مطبوعاتی از تألیف و ترجمه و طبع کتب و رسالات میباشد. جز در مورد شرکت مطبوعاتی آینده، دادن وام یا اعانه بهر مجله و جریده دیگر یا مؤسسات و اشخاص، یا کمک بلاعوض در هر امری حتی به بنگاههای امور خیریه، در هیچ زمان، بهیچ عنوان و بهیچ کس جایز نیست. برای اینکه مجله آینده بتواند از کمک موقوفات برخوردار شود، علاوه بر اینکه باید همیشه در سیاست بیغرض و یک مجله ملی و مانند گذشته طرفدار حفظ استقلال و تمامیت و وحدت ملی ایران و مروج زبان فارسی باشد، نباید هیچگاه «ارگان» دولت یا هواخواه دولتهای بیگانه یا وابسته هیچ حزب و دسته‌ای گردد، بلکه باید همواره یک جریده آزاد بیطرف ملی بوده و از سیاستهای تند و طرفیت‌ها که باعث تعطیل یا توقیف یا تزلزل و تنزل مقام مجله باشد احتراز جوید، که تشخیص آن، گذشته از افکار عمومی که بهترین مشخص معنوی میباشد، در زمان حیات با واقف و بعد با شورای تولیت است.

ماده ۳۳ - بمنظور کمک بشرکت مطبوعاتی آینده از طرف موقوفات مقداری از مجله آینده بصورت اشتراک سالیانه یا تک شماره مرتب (بقصد نگاهداشتن دوره‌های کامل) و برای توزیع بلاعوض میان مؤسسات فرهنگی و فروش باقیمانده بصورت کتاب از اداره مجله خرید خواهد شد. تشخیص مقدار خرید و توزیع رایگان بسته بنظر واقف یا شورای

متولیان است ، ولی در هیچ حال نباید ازده يك نسخه‌های چاپ شده مجله تجاوز نماید . باید پس از پایان هر دوره سالانه مجله‌های مانده موقوفات بصورت کتاب جلد در کتابخانه آن برای منظوره‌های فوق تکاهداری شود .

ماده ۳۳ - چنانچه درآمد موقوفات بمقدار قابلی افزایش یابد واقف یا شورای تولیت میتوانند علاوه برتالیف وترجمه و چاپ کتب مبلغی از آنرا تخصیص بجوائز برای تشویق دانشمندان ودانش پژوهان، نویسندگان وشاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان وشاعران درمجله آئینه . بنابراین باید شعرا ونویسندگان را بسردن اشعار وتصنیف قطعات نظم وثروطنی وملی واجتماعی باطرح اقتراحات ومسابقه‌هاودادن جوائز ازدرآمد موقوفات تشویق وترغیب نمود. تشخیص این اموردرزمان حیات با واقف است که بامشورت دوستان مطلع خود انجام میدهد ، سپس با هیئت شش نفره است که دوسوم ازمتولیان ویک سوم ازهیئت مدیره شرکت مطبوعاتی آئینه ، یاهر کسی را که آنهاواینها بجایشان معین کنند ، مرکب خواهد بود .

فصل پنجم

بنگاههای وابسته

ماده ۳۵ - (بهبودستان) -- واقف بسیار مایل است که ساختمان بزرگ و ناتمام واقع درباغ موقوفات پس ازاتمام برای ایجاد (بهبودستان) که سالها آرزوی او بوده اختصاص داده شود . این بنگاه همان چیزی خواهد بود که بآن (کوراتوریوم) - Curatorium یا (مزون دوکور) Maison de Cure گفته میشود ، وآن سرائی است برای آسایش خستگان وسالخوردگان وبهبود حال کسانی که نیازبررفع نقاهت بعدازبیماری یا استراحت پس اززایمان دارند ، یامبتلا بامراض ودردهای غیرمسری وغیرمراخمیحال سایر استراحت کنندگان باشند، ازقبیل کسالت‌های خفیف عصبی، دیابت ، سوء هاضمه، فشارخون ومازند آنها که محتاج بگرفتن رژیم غذایی وبهداشتی وورزشها واستحمامهای طبی میباشد . درصورت خرید یا ساختمان تازه‌ای در موقوفات میتوان بمنظورزایشگاه کوچک وجراحی خصوصی کسانی که میخواهند دربهبودستان قبل یا بعد ازعمل استراحت کنند اطلاقهائی اختصاص داد ، ولی نباید درهیچ حال این قسمت ها طوری باشد که مزاحم سایر آسایش جویندگان بهبودستان گردد . بهبودستان ، زایشگاه ووابسته‌های دیگرمجانی نخواهد بود ، زیرا باید درآمدی داشته باشد که هم بتواند خودرا نگاه دارد وهم بمصارف خاصی که دراین وقفنامه معین شده برسد ، ولی در هیچ حال نباید

قیمتهای گزاف بمنظور استفاده تجارتنی بر خدمات آنها نیاد. بهای خدمات باید متناسب با هزینهها و احتمالاً اجرة المثل کرایه محل باشد. عایدات احتمالی آنها باید مآلاً در حساب کل موقوفات وارد شود. اگر وقتی در آمد بهبودستان کفاف مخارج آنها ندهد میتوان از درآمدهای دیگر موقوفات بآن کمک رسانید. در بهبودستان باید مخصوصاً بر رژیم غذایی مهمانان، و خوبی ودقت در آشپزخانه آن که لازم است زیر نظر یک نفر متخصص رژیم غذایی قرار داده شود، و استراحت آنان که پزشک و پرستارهایی نیز باید در صورت لزوم مراقب حالشان باشند، دقت کامل بعمل آید. هم ممکن است که این بهبودستان بصورت اجاره دادن بمؤسسات بهداشتی دولتی و ملی و فردی وهم مستقیماً بوسیله خود موقوفات بکارافتد، ولی در هر حال شایسته است که شورای تولیت از حسن اداره امور آن بمنظوری که هست مطمئن وهم بر جریان آن نظارت داشته باشند که وقتی از مقصد منحرف نگردد. آئین نامه جداگانه راجع به بهبودستان و منضمات آن تنظیم خواهد شد که باید در حدود این وقفنامه باشد.

ماده ۳۶ - (کودکستان و باغ کودکان) - قسمتی از باغ بزرگ موقوفات در تحریش و ساختمانهایی که در آن است برای کودکستان شبانه روزی نمونه مانند (همدانان) Home d'enfants یا (کیتندهایم) Kinderheim و باغ گردش و ورزش روزانه عمومی کودکان اختصاص داده شده است که مجهز بتمام وسایل روز و آخرین ترفیحات فنی از جهت پرورش و آموزش مانند نمونه های خود در اروپا باشد. هیچکدام از اینها مجانی نخواهد بود. عایدات آنها ضمیمه بودجه موقوفات گردیده و بمصارف معین در این وقفنامه خواهد رسید. هر گاه زمانی در آمد این بنکاه کفاف مخارج آنها نکند یا برای تهیه اسباب و لوازم ورزش نیاز بکمک داشته باشد از خزانه موقوفات طبق شرایط و مواد همین وقفنامه مساعدت خواهد شد. باغ کودکان در ساعات معینی از روز و تحت سرپرستی مأموران کودکستان با پول یارایگان بروی اولیاء کودکان و خویشان و همراهان ایشان باز خواهد بود که میتوانند در آن ساعتها بگردش بپردازند. بهر حال مأموران کودکستان و باغ کودکان و سرپرستان اطفال، همه وهمه، باید توجه داشته باشند که هیچ چیز و هیچ وقت و هیچکس نباید مانع از کار یا بازی یا آسایش و مخصوصاً حسن تربیت و اخلاق کودکان باشد. آئین نامه نیز برای پیدایش و اداره امور این کودکستان و باغ کودکان باید تدوین شود.

ماده ۳۷ - (آموزشگاههای موقوفات) - با گذشت زمان هر گاه عایدات موقوفات اجازه دهد، یا نیکوکارانی حاضر بمساعدت گردند، یا دولت کمک کند، در زمینهای موقوفات دبستان و دبیرستان نمونه و همچنین احتمالاً مدرسه ملی علوم اجتماعی و سیاسی تحت سرپرستی شورای تولیت ساخته و دائر میشود که جوانان کشور را با اخلاق و معلومات اساسی تر از آنچه اکنون رایج است رهبری کند. برای رسیدن

باین هدف از طرف شورای تولید کمیسیون خاصی مرکب از نمایندگان خودشان و اشخاص خارج تشکیل میشود و با دعوت از نیکخواهان و نیکوکاران و کمک گرفتن مادی و معنوی از آنان بنیاد آنها نهاده میشود. همچنین محلی در موقوفات برای «آکادمی» ملی زبان و ادبیات فارسی که مجمعی از شعراء و دانشمندان ادیب و وطن دوستان فاضل خواهد بود ساخته میشود، بمنظور وضع و قبول لغات جدید و پیشنهاد آنها با افکار عمومی یا بفرهنگستان ایران یا هر دستگاه رسمی که برای این کار در کشور باشد، و دیده بانی بر نظم و نثر فارسی در اندیشه نگاهداری آنها از لغزش. مخارج لازم اینکار باید از درآمد موقوفات تأمین شود و زیر نظر شورای تولید قرار خواهد گرفت. قصد از این تأسیسات تقویت روح وحدت ملی و مخصوصاً کمک بتممیم زبان فارسی در آذربایجان، کردستان، خوزستان، بلوچستان و دیگر نقاط کشور است. امید است که با اصلاح اخلاق عمومی و امور اجتماعی حس ایران دوستی، حس درستکاری، حس فداکاری، حس همکاری، حس عدالت اجتماعی، حس وظیفه شناسی در مردم ریشه بگذارد و حس خود خواهی، نادرستی، حس انفرادی و عمل بالفاظی شخص پرستی و مجاز و مزاج گوئی تضعیف گردد، سطح تمدن جدید در کشور ایران پهن تر شود و برتر آید، و مخصوصاً عقده حقارت ملی که در اثر قرنهای ترکنازی ترکان و تازیان یا سیاستهای استعماری قرن اخیر در ملت ایران تزریق و تلقین شده برطرف گردد. اگر این جمله‌های تفسیری را که مناسب بود در مقدمه یا حاشیه بگذارم در متن آورده‌ام از زیادی علاقه‌ایست که بموضوع دارم و میخواهم معرلیان بعد از خود را نیز با خویش همراز سازم.

ماده ۳۸- (دبستان محمد افشار) - باغچه و خانه ییلاقی واقع در محله (تل عاشقان) طبرجان در کوهستان یزد که ارثاً از طرف مرحوم مغفور برادر عزیزم محمد افشار بمن رسیده و وقف نموده‌ام اختصاص داده میشود بتاسیس دبستانی بنام (محمد افشار) که تولید و اداره و مخارج آن با وزارت فرهنگ و نظارت آن زمان حیات با خودم و بعد با شورای تولید این موقوفات است. در حقیقت باغ و خانه مذکور با وضع فعلی وقف و باختیار وزارت فرهنگ گذاشته میشود که بنام آن مرحوم دائر نمایند. امیدوارم بنای دیگری نیز بطرز جدید در آن بسازند و دبستان آبرومندی چنانکه درخور چنین مکان خوش آب و هوا و دلپذیر است زینت بخش آن صفحات گردد و همه بیاد کار و بنام آن مرحوم پاینده باشد.

تبصره ۵- تولید و حق دخالت وزارت فرهنگ و اوقاف منحصر بدبستان (محمد افشار) است و بس.

ماده ۳۹ - (کتابخانه و قرائتخانه) - در محل مرکزی موقوفات در تجریش نزدیک بهبودستان عمارتی برای کتابخانه و قرائتخانه ساخته میشود که مورد استفاده باشندگان بهبودستان قرار گیرد و کسانیکه از خارج مایل باشند بتوانند از آن استفاده

نمایند. اشخاصیکه کتب و مجلات بموقوفات اهداء نمایند بنام خودشان در قفسه‌ها ضبط در دفاتر و فهرست‌ها ثبت میشود. هر گاه مقدار کتب اهدائی زیاد یا کافی باشد قفسه‌های مشخص حتی اطاقهای مخصوص در ساختمان بنام خود آنها تخصیص داده خواهد شد. بنحویکه در حقیقت موقوفه‌ای در موقوفه دائر میشود. ورود بهر يك از کتبخانه و قرائتخانه ممکن است رایگان یا با پول باشد، و این بسته بنظر شورای تولیت است که در اول هر سال تصمیم مقتضی (با توجه بوضع کار و بودجه موقوفات و تربیت و اخلاق اجتماعی و عمومی) خواهد گرفت. وجوه ممکن الحصول از مرور و روده، ماهانه یا سالانه در حساب جدا گانه نگاهداری و صرف خود دستگاه میشود. کتابهایی که بموقوفه واگذار شود عنوان یادگار صاحبان خریدار، در هیچ حال و هیچ زمان قابل فروش و تعویض نیست، و اولیای موقوفات موظف بنگاهداری و مرمت آنها (در صورت ضرورت) بخرج موقوفات میباشند.

ماده ۴۰۰ برای تصدی امور بنگاههای وابسته بموقوفات هر گاه در میان بازماندگان واقف افراد صلاحیت داری از زن یا مرد باشند بر کسان دیگر مقدمند. تشخیص این شایستگی بازای شورای تولیت است.

فصل ششم

دران متفرقه

ماده ۴۱۰ تغییر و تبدیل مصارف معین در این وقفنامه بهر اسم و رسم ممنوع است.

ماده ۴۲۰ - هر گونه ساختمان و تاسیساتی که در زمان حیات از طرف (واقف متولی) در رقبات بشود، و نیز دستگاهها و اسبابهاییکه در آنها گذاشته شود که عرفا تناسب و تعلق ذاتی آنها به بنگاههای وابسته بموقوفات روشن باشد از مال وقف تهیه شده، متعلق بوقف است، و واقف آنها را بعنوان متولی متصرف میباشد، و وراث را در آن حقی نیست.

ماده ۴۳۰ - در صورت اجاره دادن رقبه‌های موقوفات مدت اجاره برای هر بار بیش از پنج سال نباید باشد، ولی بماخذ اجرة المثل املاك مشابه هنگام اجاره قابل تجدید است.

ماده ۴۴۰ - پس از درگذشت واقف وراث هیچگونه مسئولیتی نسبت بحسابهای موقوفات در زمان تولیت واقف در برابر متولیان ندارند. حساب همان است که در بانکها بنام موقوفات موجود است، مگر آنکه واقف در وصیت خود اگر دینی بموقوفات دارد ذکر کرده باشد، که فقط بهمان اندازه از ترکه قابل پرداخت خواهد بود. مقصود آنکه هیچ کس بهیچ عنوان حق مزاحمت وراث را نخواهد داشت. هر گاه در وصیت نامه ذکر دینی از دین نشده یا وصیت نامه‌ای وجود نداشته باشد، یا حتی آثار و علائمی در کار باشد یا نباشد.

هیچ گونه مسئولیت، محاسبه، بحث و سخنی با وراثت نباید در میان آید و در هیچ حال مزاحمتی برای آنان فراهم گردد. خود عدم وجود وصیت یا نشانی در آن نشان بر این است که دینی بر ذمه وراثت نیست. واقف که خود قدم در این راه خیر گذاشته البته نمیخواهد نه مالی را حرام کند و نه زحمتی برای کسی ایجاد نماید و عایدات را زمان حیات خود بمصارف معین در وقفنامه رسانیده یا اگر زیاد آمده در بانکها بنام موقوفات گذاشته است.

ماده ۴۵- متولیان باید مراقبت نمایند آئین نامه‌هایی که برای تسهیل اجرای امور موقوفات وضع مینمایند هیچ وقت از حدود این وقفنامه و هدف اصلی و منظورهای اساسی واقف تجاوز نشود و مواد اساسی تا ممکن شود با اتفاق رأی متولیان صورت پذیرد. برای موارد عادی این ماده نیز تا ممکن باشد رای دوسوم متولیان لازم است، تشخیص موارد اساسی از عادی بشورای تولیت است.

ماده ۴۶- در مورد ماده ۴۵ و موارد دیگر که بعضی از متولیان در تهران نباشند یا نتوانند در جلسه حضور یابند و اتفاق رأی یا اکثریت مخصوص مذکور در این وقفنامه لازم باشد میتوانند نظرا مضاء شده خود را بشورای تولیت بفرستند، که باید در صورت مجلس قید و اصل آن در آرشیو اسناد موقوفات ضبط گردد.

ماده ۴۷ و پایان - این بنیاد نامه وقف مشتمل بر ۴۷ فصل و هفت ماده و پانزده تبصره میباشد. شایسته است که هزار نسخه از این وقفنامه و مقدمه‌ای که در تشویق نیکخواهان به نیکوکاری و وقف کردن دارائی خود بمصالح عامه و در توضیح و تفسیر بعضی از مواد آن نوشته‌ام، بعنوان شماره اول رسالاتیکه باید با عایدات این موقوفات بطبع برسد، چاپ شود و رایگان در اختیار عموم قرار گیرد. هر کس هر زمان از آن بخواهد مجانی با داده شود. هر وقت بیش از یکصد نسخه در مخزن موقوفات مانده باشد اقدام بتجدید طبع آن نمایند.

ملاحظه - (سند ۱۸ صفحه ۳) از لحاظ ثبت انتقال دودانک خانه و باغ طرزجان پلاک ۱۷۰۶ ناتمام و موکول بامکان درج در سند مالکیتی است که فعلا در یزد میباشد.

دکتر افشار

وقفنامه دوم

ماده اول- در تاریخ نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سی و هفت هجری شمسی نویسنده این سطور، دکتر محمود افشار، دارای شناسنامه شماره یازده هزار و نهصد و سی و سه از بخش سه تهران فرزند مرحوم محمد صادق افشار یزدی، بمنظور افزایش موقوفات موضوع وقفنامه شماره ۳۳۶۵۶- مورخ یازدهم دیماه ۱۳۳۷ تنظیمی در دفترخانه پنجاه و پنج تهران املاک و رقبات وصف شده زیر را برای صرف در امور خیر طبق مواد دستور وقفنامه نامبرده وقف ابدی و دائمی نمود و صیغه وقف از ایجاب و قبول جاری ساخت. چون خود واقف نخستین متولی این موقوفات است بهمین عنوان آنها را بتصرف آورد و قبض و اقباض بعمل آید. چون طبق وقفنامه نامبرده عده رقبات وقف شده نوزده فقره شد اکنون نیز که پنج مورد دیگر بر آنها افزوده میشود شماره اسناد و رقبات را بازگرناحیه بطور مسلسل در دیاله شماره های پیش مینکارد. اسناد مالکیت مورد وقف بشرح زیر است: (* بیای صفحه نگاه فرمائید)

۱) (در ناحیه سوم ذکر شده در وقفنامه سابق در شهرری)

سند ۴۰- سه دانگ مشاع از شش دانگ یکقطعه زمین بساحت یکصد و نود و سه هزار و هفتصد و شصت و دو متر مربع شماره پنجاه و چهار فرعی از یکصد و شصت و چهار اصلی با حقا به از رودخانه کرج بوسیله نهرو سفنارد و فیروز آباد طبق معمول محل واقع در قریه مبارک آباد بهشتی جزء دهستان غار بخش دوازده تهران که در ص ۱۳۰۰۷-۲۵۳ دفتر جلد ۱۷۲ املاک بحدود مینه ثبت و سند مالکیت آن بشماره چایی ۳۲۵۷۳۶ بنام واقف صادر شده است.

سند ۴۱- شش ساعت از مجری البیاض قنات بهشتی در گردش شانزده جزء مورد ثبت سند مالکیت ص ۲۷۵۶-۲۰۹ دفتر ص ۱ ام غار و جزء سند مالکیتی که بشماره چایی ۴۷۲۹۱۲ بنام واقف صادر شده است.

۲) (ناحیه پنجم- اراضی واقع میان تهران و شمیران معروف بدره قشلاق)

سند ۴۲- شش دانگ یکقطعه زمین بساحت دو هزار و دو بیست متر مربع بشماره بانصد و بانزده فرعی از بلاک سه هزار و چهارصد و شصت و هفت از اراضی دره قشلاق شمیران بخش یازده تهران که در ص ۱۰۵۸۰-۴۸۳۴ دفتر ۱-۸ املاک ثبت و سند مالکیت آن بشماره چایی ۱۲۷۹۳۴ بنام واقف صادر شده است.

سند ۴۳- شش دانگ یکقطعه زمین بساحت دو هزار و دو بیست متر مربع بشماره بانصد و شانزده فرعی از بلاک سه هزار و چهارصد و شصت و هفت از اراضی دره قشلاق شمیران بخش یازده تهران مورد ثبت سند مالکیت ص ۱۰۵۸۱-۴۸۵۰ دفتر ۱-۸ املاک و سند مالکیت بشماره چایی ۱۲۷۹۳۵ بنام واقف صادر شده است.

سند ۴۴- شش دانگ یکقطعه زمین بساحت دو هزار و دو بیست متر مربع بشماره بانصد و هفده فرعی از بلاک سه هزار و چهارصد و شصت و هفت از اراضی دره قشلاق شمیران بخش یازده تهران که در ص ۱۰۵۸۲-۴۸۷۰ دفتر ۱-۸ املاک ثبت و سند مالکیت آن بشماره چایی ۱۲۷۹۳۷ بنام واقف صادر شده است.

تبصره - کلیه حقوق و دعاوی و بقایا و مطالبات تا این تاریخ مربوط برقیات مورد وقف متعلق بموقوفات است و حفظ وصیانت و تعقیب و استیفاء آنها بمعهده متولی خواهد بود.
ماده دوم - تولیت این موقوفات نیز مانند موارد وقف شده سابق و بشرح همان وقفنامه در زمان حیات باوقف و پس از درگذشتن او بایازده نفر اشخاص و صاحبان مقامهای رسمی نامبرده زیر میباشد :

رئیس مجلس سنا (در صورت تعطیل هیمشگی یا طولانی آن رئیس مجلس شورای ملی)
 رئیس دیوان عالی کشور، وزیر فرهنگ، وزیر بهداری و رئیس دانشگاه تهران (که متولیان مقامی نامیده میشوند) و چهار نفر از دوستان ارجمند و عزیزم برای مدت عمر (که متولیان منصوص نامیده شده اند) بشرح زیر :

جناب آقای سناتور حبیب الله آموزگار (وزیر پیشین فرهنگ)، جناب آقای الهیار صالح (وزیر پیشین دارائی و داد گستری و کشور) جناب آقای دکتر محمد علی هدایتی (وزیر کنونی داد گستری) که همگی سمت تولیت را پذیرفته اند، و یک نفر دیگر که هر گاه مادام الحیات یا بموجب وصیت نامه از طرف واقف معین نکرده شود سایر متولیان او را طبق ماده ۴ وقفنامه سابق انتخاب مینمایند، و دو نفر از فرزندان واقف برای مدت عمر، که یکی ایرج افشار است، و نفر دیگر را اگرمزمان حیات یا بموجب وصیت نامه از طرف واقف معین نشود شورای متولیان طبق مواد ۱۳ و ۱۴ وقفنامه پیش انتخاب مینمایند.

ماده سوم - کلیه مواد وقفنامه مورخ یازدهم دیماه هزار و سیصد و سی و هفت از تولیت و مصرف و غیره نسبت باین رقیات معتبر و جاری است و چنان میباشد که تمام آن مواد در این وقفنامه گنجانده شده است.

ماده چهارم و پایان - این وقفنامه دوم در چهارماده و یک تبصره است و پیوست وقفنامه سابق میباشد.

تاریخ - دوازدهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سی و هفت شمسی مطابق بیست و دوم ماه رجب المرجب یکهزار و سیصد و هفتاد و هشت قمری.

محل امضاء : دکتر افشار

وقفنامه سوم

ماده اول- در تاریخ بیست و یکم تیرماه هزار و سیصدوسی هشت هجری شمسی نویسنده این سطور، دکتر محمدافشار، دارای شناسنامه شماره یازده هزار و سیصدوسی و سه از بخش سه تهران، فرزند مرحوم محمدصادق افشار یزدی، در تعقیب وقفنامه های شماره ۳۳۶۵۶ مورخ یازدهم دیماه ۱۳۳۷ و شماره ۳۳۹۹۹ مورخ نهم بهمن ماه ۱۳۳۷ تنظیمی در دفتر - خانه پنجراه و پنج تهران، املاک و رقبه های وصف شده زیر را برای مصرف در امور خیر عامه، طبق مواد دستور وقفنامه اول، وقف ابدی و دائمی نمود. چون خود واقف نخستین متولی این موقوفات است به همین عنوان آنها را بتصرف آورد و قبض و اقباض بعمل آمد. نظر باینکه در وقفنامه های نامبرده شماره رقبیات و وقف شده در ناحیه های مختلف جمعا بیست و چهار مورد است اکنون نیز که چند فقره دیگر بر آنها افزوده میشود شمارش اسناد و رقبیات را با ذکر ناحیه بطور مسلسل در دنیا لشماره های پیش می آورد. * (بپای صفحه نگاه فرمائید)

*** موردهای تازه که وقف شده است بشرح زیر میباشد :**

در ناحیه اول (شمیران)

فقره ۳۵- شش دانگ یکقطعه زمین بمساحت یک هزار و هشتصد و نود و دو متر مربع مشتمل بر باغ و یک ساختمان بزرگ سه طبقه و یک عمارت کوچک یک اشکوبه بشماره ۳۰۳۶۱۳۲۲ مفروز از اراضی باغ فردوس تجریش شمیران بخش یازده تهران که در صفحه ۲۷ دفتر جلد ۲۱ املاک ثبت و سند مالکیت آن بشماره چاپی شماره ۱۴۸۳۴۶ بنام آقاخان غلامحسین اشرفی صادر ومع الواسطه بموجب سند رسمی شماره ۷۵۹۶۵-۷۶۲۲۲-۳۸۲۲۱۰۷۶۲۲۲ دفترخانه شماره ۳۶ تهران بواقف منتقل شده است.

فقره ۳۶- سه کنتور برق که یکی از آنها برق سه فاز و دو ترفه شیان روزیست و همه دائر میباشد، همچنین دودستگاه تلفون یکی بشماره ۸۳۹۳۶ که اکنون کار میکند و یکی دیگر تازه خریده و مبلغ دوازده هزار ریال قسط نقدی آنرا پرداخته ام و همه باسم من میباشد، هر پنج فقره را از مالکیت خود خارج نموده وقف نمودم، و اکنون بمنوان متولی آنها را قبض و بتصرف آوردم که در ساختن آنها و بناگاههای موقوفات خودم مورد استفاده قرار گیرد.

در ناحیه چهارم (یزد)

فقره ۳۷- سه جره از میاه طزرجان یزد (که هنوز سندان در ثبت اسناد صادر نشده) این فقره با پنج جره دیگر که شماره ۱۹ در وقفنامه اول ذکر گردیده و جمعا هشت جره میشود برای شرب باغ و خانه که برای (دستان محمد افشار) تخصیص یافته لازم و کافی میباشد و بتصرف وقف داده شد.

ماده دوم- تولیت این موقوفات نیز (باستثناء آب طزر جان یزد که با وزارت فرهنگ است) مانند مواز دووقف شده سابق و بشرح وقفنامه اول در زمان حیات با واقف و پس از درگذشتن با یازده نفر کسان منصوص و دارندگان مقام‌های نامبرده زیر می‌باشد :

رئیس مجلس سنا (در صورت تعطیل همیشگی یا طولانی آن رئیس مجلس شورای ملی) ،
رئیس دیوان عالی کشور، وزیر فرهنگ ، وزیر بهداشتی، رئیس دانشکاه تهران (که متولیان
مقامی نامیده میشوند) و چهار نفر از دوستان ارجمند و عزیزم برای مدت عمر (کسه
متولیان منصوص نامیده شده‌اند) بشرح زیر :

جناب آقای سنا تور حبیب الله آموزگار، جناب آقای الهیار صالح، جناب آقای دکتر
محمد علی هدایتی، (که همگی سمت تولیت را کتبا پذیرفته‌اند و پذیرش نامه آنان پیوست
همین وقفنامه میباشد) و یک نفر دیگر که هر گاه در زمان حیات یا بموجب وصیت نامه از طرف واقف
معین نشود شورای تولیت طبق ماده ۱۴ وقفنامه اول انتخاب مینماید، و دو نفر از فرزندان
واقف برای مدت عمر ، یکی ایرج افشار است و نفر دیگر را اگر زمان حیات یا بموجب وصیت
از طرف واقف معین نشود شورای تولیت طبق مواد ۱۳ و ۱۴ وقفنامه پیشین انتخاب مینمایند.
تبصره- نسبت با انتخاب اخلاف واقف متدرج در ماده ۱۳ وقفنامه اول واقف را
مطلقاً نظری بمفهومهای (نسلا بعد نسل) و (ذکور از ذکور) نبوده، بلکه شورای متولیان
کمال آزادی را در انتخاب افرادی از خانواده واقف دارند که صلاحیت و علاقه مندی آنان
در نظرشان محرز باشد.

ماده سوم- در صورت تعطیل یا انحلال يك با چند از مقام‌های نامبرده بالا یا فوت يك
با چند نفر از متولیان منصوص و دیگر علت های موجه قانونی و عدم تعیین جانشین آنان
شورای تولیت باقیه عده انجام وظیفه مینماید . در این صورت هم هیچگاه اکثریت آراء از
چهار نفر نباید کمتر باشد .

ماده چهارم- کلیه مواد وقفنامه مورخ یازدهم دیماه ۱۳۳۷ از تولیت و مصرف
و غیره نسبت باین وقفنامه و رقیبات معتبر و جاری میباشد و چنان است که تمام آن مواد در
این وقفنامه گنجانیده شده است .

ماده پنجم- رقیبات مورد اسناد ثبتی ۱۷ و ۱۸ و فقره ۱۹ از وقفنامه نوشته یازدهم
دیماه ۱۳۳۷ و فقره ۲۷ این وقفنامه که بتولیت وزارت فرهنگ برقرار گردیده بموجب
همین ماده از طرف واقف بتصرف وزارت فرهنگ داده میشود که از خانه و باغ نامبرده
دبستانی بنام مرحوم محمد افشار، برادر عزیزم، دائر نمایند .

ماده ششم- برای بی‌درآمدن آمدن سه قطعه زمین دره قشلاق شمیران بشماره های

۲۲ و ۲۳ و ۲۴ مذکور در وقتنامه دوم که با اثر است، بعلاوه سه اضافی که فعلاً ناانجام با ساختمان (نو) در موقوفات تازه) در باغ موقوفات که برای سکونت خودم بقصد اداره امور موقوفات از نزدیک لازم است، هر ماده مبلغ بیست هزار ریال از طرف واقف بمنذوق موقوفان ریخته می‌شود.

ماده نهم - نظر باینکه پس از وقف کردن تمام باغها و عمارت‌های مسکونی لزوم داشتن محلی برای خودم در داخل موقوفات برای اداره امور و سرپرستی آنها از نزدیک ضرورت داشت و اعتباری برای چنین ساختمانی موجود نبود، از سرمایه خود مبلغ یک میلیون ریال بعنوان اعانت بوقف بمصرف این ساختمان رساندم و آنرا نیز مانند دیگر ساختمان‌های واقع در باغ‌های موقوفه وقف کردم و خود بعنوان متولی موقوفه قبض و تصرف کردم. پس از این اگر حقوق مدیر عامل موقوفات مساوی بادر آمد این ساختمان باشد می‌تواند بجای حقوقی در آن سکونت کند. اگر اضافه یا کسری دارد باید اضافه را بحساب درآمد موقوفات منظور و کسری را از درآمد موقوفات دریافت نماید، هم‌ممکن است در صورتیکه شورای تولیت صلاح دانند این عمارت برای تکمیل بناهای وابسته بکار آید، در هیچ حال نباید برای استفاده بلاعوض اشخاص بکار رود.

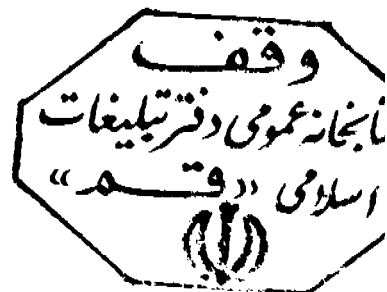
ماده هشتم - حساب جاری که در بانک بمقره بران بار شده بشماره ۴۶۷۷ می‌باشد.

ماده نهم و پایان - این وقتنامه در سه ماده و یک تبصره تنظیم شده و پوست دو وقتنامه سابق می‌باشد. و حق الثبت چهارصد هزار ریال دریافت شده است.

ملاحظه - عطف بملاحظه مندرج در انتهای وقتنامه اول اینک که اصل سند مالکیت باغچه خانه طرزرجان یزد رسیده است ثبت انتقال در دفتر مالکیت آن نیز منعکس گردید. بتاريخ سیزدهم مرداد ۱۳۳۸ برابر با بیست و نهم شهریور محرم ۱۳۷۹ قمری.

دکتر افشار

محل امضاء :



پیوستها

پذیرشنامه های نشر لیان هنر ص (بترتیب حروف الفباء)

۱- پذیرش نامه جناب سنا تور حبیب الله آموزگار

انجناب حبیب الله آموزگار بر حسب تقاضای دوست عزیز و دانشمند جناب آقای دکتر محمود افشار شرکت در هیئت تولیت را قبول کردم . ح. آموزگار - ۱۰/۱۰/۱۳۳۷

۲- پذیرش نامه جناب آقای الهیار صالح

نیم دیماه ۳۷ دوست ارجمندم جناب آقای دکتر محمود افشار بطوریکه شفا، عرض نمود تولیت و اداره موقوفات آنجناب را با کمال مسرت می پذیریم .
ازادتمند الهیار صالح

۳- پذیرش نامه جناب آقای دکتر محمد علی هدایتی

دوست عزیز و سرور ارجمند جناب آقای دکتر محمود افشار اینجانب با کمال افتخار تولیت و اداره موقوفات آنجناب را می پذیرم . دکتر محمد علی هدایتی ۰۸/۱۰/۳۷

تأثیر عمل نیک

جناب آقای دکتر محمود افشار املاکی وقف کارهای نیکو نموده که صورت ریز و مصارف آن در سه وقفنامه معین و معلوم است. بطوریکه خوانندگان گرامی در همین شماره ملاحظه نمایند واقف محترم ابتکارهایی بخرج داده که سابقه نداشته و مصرف آن بهترین و مهمترین عامل برای حفظ و ترویج و توسعه زبان فارسی، بوسیله «خانه فرهنگ» و اصلاح امور اجتماعی بوسیله سخنرانی و مجله «آینده» و بهبود جسم و روح افراد و حفظ بهداشت بوسیله «بهبودستان» و پرورش کودکان بوسیله «کودکستان» و توسعه و ترویج دانش هنر بوسیله «دبیرستان» و کتابخانه و مسابقه های ادبی و غیره» که خوشبختانه محل و مقدمات همه آن تاسیسات ازها کنون فراهم و مجله «آینده» هم چندماه است مجدداً آغاز و تا کنون چهار شماره تازه آن منتشر شده است .

اولین اثر این کار نیک و این گذشت مادی و فداکاری جلب توجه شاهنشاه معظم و وزیر دربار و وزارت فرهنگ است که پس از اطلاع از این نوع عمل بینظیر و استحضار خاطر ملوکانه از جریان امر وقف یک نسخه از وقفنامه بامر معظم له ذیب کتابخانه همایونی قرار گرفته و وزارت فرهنگ هم خدمات گرانبهای ایشان را بفرهنگ ستوده و نشان سپاسی که گران بهاترین وسیله قدردانی معنوی از مردم نیکو کار است برای ایشان مقرر داشته است .

نگارنده این مختصر وقتی از جریان مسبوق شد برای آگاهی عموم و تشویق نیکوکاران پیشنهاد درج آن سه نامه را در مجله آینده نمودم ولی از واقف محترم انکار و از من اصرار و بالاخره نظر بافتخار شرکستی که در مجله آینده و اداره مشترک با جمعی در تولیت آینده موقوفات دارم برخلاف نظر ایشان دستور چاپ آن نامه را محض تشویق و پیروی مردم از این نوع وقف و قدردانی از عمل واقف دادم و از ایشان هم معذرت می خواهم .

حبیب الله آموزگار

دربار شاهنشاهی

آقای دکتر محمود افشار - ژنو (سوئیس)

نامه مورخ ۲۸/۱۱/۵۹ جنابعالی را دریافت کردم- از اینکه رفع کسالت از وجود شریف شده و بهبودی حاصل نموده اید بی نهایت خوشوقت شدم. امیدوارم مزاج شریف همواره در کمال سلامت و توأم با سعادت باشد. دفتر خانه اسناد شماره (۵۵) امروز عکس و قفنامه جنابعالی را برای اینجانب فرستاده است فعلا اعلیحضرت همایون شاهنشاه بمسافرت شمال تشریف فرما شده اند البته در مراجعت و قفنامه را بعرض مبارکشان میرسانم. مزید توفیق و سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند متعال مسئلت مینمایم.

حسین علاء وزیر دربار شاهنشاهی

شماره ۹۱۶۵ ۱۹ ۱۳۳۸ر۱

پیرو نامه شماره ۸۹۰۰ - ۳۸ر۱۰۹۹ باستحضار میرساند نسخه و قفنامه جنابعالی از شرف عرض ملوکانه گذشت امر و مقرر فرمودند رضایت و تقدیر خاطر مبارکشان از این اقدام خیر و پسندیده جنابعالی ابلاغ شود. به امتثال فرمان مطاع مبارک نسخه و قفنامه نیز برای نگاهداری بکتابخانه اختصاصی همایونی تسلیم گردید.

حسین علاء وزیر دربار شاهنشاهی

شماره ۱۰۱۱۵ ن

الف ۳۸ر۱۰۹



وزارت فرهنگ

جناب آقای دکتر محمود افشار مدیر ارجمند مجله آینده

وقف نمودن بیست و هفت رقبه املاک شخصی و اختصاص دادن درآمد این رقبیات با روشی متقن و عالمانه بمنظور تحکیم میانی زبان و ادب پارسی و ایجاد کتابخانه و قرائتخانه و تاسیس بهبودستان و کودکستان و سایر مصارفی که در تعمیم فرهنگ کشور اثری بسزا دارد مایه نهایت خرسندی و مباهات است. برای فرهنگ کشور این اقدام جوانمردانه با طریقه مرضیه ای از طرف یکی از افراد مؤثر دستگاه تعلیم و تربیت ایران که خود زمانی معاونت وزارت فرهنگ را بر عهده داشته و با تدریس و چاپ و نشر مجله سودمند آینده و وظیفه ملی خود را ایفا کرده موجب قدردانی و امتنان است و یقین قطعی دارد که این امر بمنزله سرمشقی ارزنده برای متمکنان مملکت بشمار بوده و نسلهای آینده نیز پیوسته نام واقف گرامی را با احترام یاد خواهند نمود.

وزارت فرهنگ نیز بیاس این قدم بزرگ فرهنگی با تصویب شورای عالی فرهنگ يك قطعه نشان سپاس درجه اول بجنابعالی اهدا مینماید.

وزیر فرهنگ- دکتر محمود مهران